

Receive Date:
16/10/2022

Accept Date:
3/4/2023



**Research
Article**

Vol.19, No.1, Serial 35

Spring & Summer
2023

pp.: 37-52

A Comparative Study of Art Education in Ancient Times With The Safavid Era

DOI: 10.22070/TLR.2023.16908.1342

Morteza Golshani Gehraz¹ , Kamal Nosrati Heshi², Hamid Ahmadi Hedayat³

1. *Bachelor of Elementary Education, Allameh Tabatabai Farhangian University, Ardabil, Iran*

Email: morteza.golshani.g@gmail.com

2. *Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.*

Email: kamalnosrati1367@yahoo.com

3. *Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.*

Email: h.hedayat@cfu.ac.ir

Abstract

Introductoin: The educational institutions of any society are the product of history and can only be explained through history. Therefore, this research aims to study art education in ancient Iran and its comparison with the Safavid era.

Method: This research is a documentary study that was conducted with a comparative-analytical approach, and Brody's comparative method (description, interpretation, juxtaposition, and comparison) was used to analyze the data. The statistical population is all the sources related to the two periods of ancient Iran and the Safavid era, including books, articles, and authentic scientific documents selected the purposeful sampling method was used.

Results: In the findings section, firstly, in ancient Iran, components such as music, place, artistic goals and tools, the progress of the painting and the influence of countries on each other, iconography, its goals and methods, weaving education, and the development of calligraphy were investigated. Also, in Iran of the Safavid era, components such as the reasons for the weakening of music and its various forms, ups, and downs in the art of painting, developments in the art of iconography, changes, and innovations in the art of weaving, and the sanctity of the art of calligraphy in the Safavid era were examined. As a result, based on the findings, it can be acknowledged that music, painting, iconography, weaving, and calligraphy in ancient Iran had significant progress and innovations. On the other hand, in the Safavid era, even though music and painting did not experience significant progress for some reasons, weaving, iconography, and calligraphy experienced significant changes and development.

Discussion and Conclusion: Therefore, by reflecting on the findings, one can benefit from the challenges and opportunities, and experiences of ancient Iran and the Safavid period, in the field of artistic education of the present era.

Keywords: Art Education, Ancient Times, Safavid Era, Comparative Study.

مطالعه تطبیقی تربیت هنری دوران باستان با عصر صفوی

DOI:

مرتضی گلشنی گهراز*^۱، کمال نصرتی هشی^۲، حمید احمدی هدایت^۳

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان، اردبیل، ایران.

Email: Morteza.golshani.g@gmail.com

۲. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: kamalnosrati1367@cfu.ac.ir

۳. گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران

Email: h.hedayat@cfu.ac.ir

چکیده

مقدمه: نهادهای آموزشی هر جامعه‌ای محصول تاریخ و تنه‌ای یاری تاریخ می‌توان آن را تبیین کرد. از اینرو در پژوهش حاضر به بررسی تربیت هنری در ایران باستان و مقایسه آن با عصر صفوی پرداخته شد.

روش: این پژوهش یک مطالعه اسنادی است که با رویکرد تطبیقی-تحلیلی انجام، و جهت جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش تطبیقی برودی (توصیف، تفسیر، همجواری و مقایسه) مورد استفاده قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش، کلیه منابع مربوط به دو دوره ایران باستان و عصر صفوی اعم از کتب، مقالات و اسناد معتبر علمی می‌باشد و از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد.

یافته‌ها: در بخش یافته‌ها ابتدا در قسمت ایران باستان به بررسی مؤلفه‌هایی همچون موسیقی، جایگاه، اهداف و ابزارهای هنری، پیشرفت نقاشی و تأثیرپذیری کشورها از همدیگر، پیکرنگاری، اهداف و شیوه‌های آن، آموزش بافندگی و پیشرفت خوشنویسی پرداخته شد. همچنین در مرحله بعد و در قسمت ایران عصر صفوی مؤلفه‌هایی همچون دلایل تضعیف موسیقی و اشکال مختلف آن، فراز و نشیب‌ها در هنر نقاشی، تحولات در هنر پیکرنگاری، تغییرات و ابداعات در هنر بافندگی و تقدس هنر خوشنویسی در عصر صفوی مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه براساس یافته‌ها می‌توان اذعان داشت؛ موسیقی، نقاشی، پیکرنگاری، بافندگی و خوشنویسی در ایران باستان پیشرفت و ابداعات چشمگیری داشته است و در عصر صفوی نیز با وجود اینکه موسیقی و نقاشی بدلالی پیشرفت قابل توجهی را تجربه نکرد، در زمینه بافندگی، پیکرنگاری و خوشنویسی از تحولات و توسعه‌ی چشمگیری برخوردار شد.

بحث و نتیجه‌گیری: بنابراین با تامل بر یافته‌ها می‌توان از چالش‌ها و فرصت‌ها و تجارب ایران باستان و دوره صفوی، در زمینه تربیت هنری عصر حاضر به‌رمند گردید.

کلیدواژه‌ها: تربیت هنری، دوران باستان، عصر صفوی، مطالعه تطبیقی

نشریه علمی

پژوهش‌های آموزش و یادگیری

دوره ۱۹، شماره ۱، پیاپی ۳۵
بهار و تابستان ۱۴۰۱
صص: ۵۲-۳۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴

مقاله پژوهشی

Journal of

Training & Learning Researches

Vol.19, No. 1, Serial 35

Spring & Summer
2023

pp.: 37-52

مقدمه

میراث فرهنگی، تمدنی و هنری در سطح ملی و جهانی بر اساس معیارهای اسلامی، در مراکز آموزشی باید تربیت هنری در کنار سایر ساحت‌های تربیتی مورد توجه جدی دست اندرکاران آموزش و پرورش قرار گیرد.

علی‌رغم تاکیدات جدی در اسناد بالادستی بر تربیت هنری، مطالعه وضعیت موجود نشان می‌دهد تربیت هنری، دارای کاستی‌های گوناگون در ابعاد مختلفی، از جمله ساخت اشیاء توسط دانش‌آموزان، شناخت طبیعت و اجزای آن در خلقت توسط دانش‌آموزان، شناخت زیبایی‌های طبیعت، شناخت میراث فرهنگی، تقویت حواس پنج‌گانه دانش‌آموزان، درک قوانین جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت، جهان آفرینش از طریق مشاهده در آثار خلقت [۹] بوده، که نیازمند توجه هرچه بیشتر بدان است. همچنین مطابق با گزارش سایت علمی و پژوهشی آسمان [۱۰]، پوشش ناکافی به رشته‌های مختلف هنری در برنامه‌های درسی موجود، توجه به طیف محدودی از هنرهای تجسمی و غفلت کامل برنامه درسی از قلمروهای دیگر هنر و از جمله هنرهای نمایشی، عدم توجه به رشته‌ها و زمینه‌های هنری که در مناطق مختلف کشور ریشه دارد، بعد دیگری از کاستی برنامه درسی در بعد تربیت هنری است. به عبارتی دیگر آموزش هنر از جمله زمینه‌های مورد غفلت‌شده برنامه‌های درسی نظام آموزشی کشور ماست که همواره امری حاشیه‌ای و جانبی بوده است [۱۱]. طبق مشاهدات صورت گرفته نیز به موضوعات درسی پایه مانند انگلیسی، ریاضی و .. بیش‌ترین ساعت را در برنامه درسی به خود اختصاص دادند و در برابر آن دروسی مانند هنر مورد کم‌توجهی قرار گرفته است [۱۲]. در حالی که طبق پژوهش آداک و یوسف‌زاده چوسری [۱۳]، در نظام‌های آموزشی و به ویژه نظام‌های متمرکز از جمله نظام‌های آموزشی ایران، برنامه‌های درسی نقش مهمی در جهت تربیت دانش‌آموزان در ابعاد مختلف ایفا می‌کند. یا طبق پژوهش عباسی، طباطبایی و مرتضی [۱۴]، عدم آشنایی معلمان با روش‌های مناسب تدریس در درس هنر و فقدان امکانات مناسب، عدم آگاهی مدیران مدارس از نقش هنر در حد متوسط و بی‌توجهی برنامه‌ریزان درسی و مسئولین به تربیت هنری، مانع اجرای صحیح درس هنر و تربیت هنری می‌شود.

بخاطر حساسیت تربیت هنری و جهت حل کم و کاستی‌های آن، پژوهش‌های مختلفی توسط محققین انجام شده است، که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. علیی و همکاران [۱۵]، در پژوهشی با عنوان «بررسی اهمیت و جایگاه هنر موسیقی در ایران باستان»، پژوهشی را انجام داده و بدین نتیجه

انسان‌ها موجودات تک بعدی نیستند و نه تنها دارای ابعاد گوناگون جسمی، عاطفی، ذهنی و ادراکی هستند، بلکه بعد هنری و زیباشناسی نیز، از جمله ابعاد وجودی انسان قلمداد می‌شود و پرورش آن از طریق تربیت هنری^۱ تحقق می‌یابد [۱]؛ از این رو، «ما به تربیت هنری، بیش‌تر و بهتر، به منظور پرورش انسان‌های کامل و رشد یافته، یعنی شهروندانی که تمدن شایسته و مطلوبی را ارزش‌گذاری می‌کنند، نیازمندیم» [۲]. «تربیت هنری، شامل آموزش اساسی حواس و رشد، آگاهی متعالی از تجارب بصری، آفرینش و فهم اشکال نمادین بصری و نیز رشد رویکرد آگاهانه، نسبت به تصورات بصری در نقاشی، مجسمه‌سازی و غیره و آموزش در زمینه‌ی کاربردی و اعمال قضاوت نقادانه تجارب بصری می‌باشد» [۳] و در رشد انسان‌ها و ایجاد توافق اجتماعی، نقش بسیار مهمی دارد [۴]. افزون بر این، تربیت هنری به عنوان نوعی زمینه‌فعالیت است، که نه تنها به بیان تجارب گذشته، بلکه شروعی به چشم‌انداز توسعه هنر، برای آینده است [۵]. یا طبق گفته مایر [۶] هنر پایه اصلی تربیت است:

«هنر، اساس تربیت است. هنر، عقل و احساس ما را متحد، تخیل ما را تحریک و محیط ما را دگرگون می‌کند. سال‌ها پس از آنکه دستاوردهای مادی ما فراموش می‌شوند، هنر به منزله نماد نگرش‌های معنوی ما باقی می‌ماند. هنر از هر نظر شاهدهی است بر برجستگی بشر برای بدست آوردن جاودانگی».

تربیت هنری بخاطر اهمیت و نقش آن در بهبود خلاقیت فراگیران و موارد دیگری که اذعان شد، در اسناد بالادستی کشور ایران نیز مورد توجه قرار گرفته و بر آن تاکید شده است. در واقع در سند تحول بنیادین جمهوری اسلامی ایران، تعلیم و تربیت زیباشناختی و هنری، به عنوان یکی از ساحت‌های تعلیم و تربیت قلمداد می‌شود و در تعریف آن اذعان شده است که «ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متریبان (توان درک موضوعات و افعال دارای زیبایی مادی یا معنوی، توان خلق آثار هنری و قدردانی از آثار و ارزش‌های هنری) است» [۷] و حتی یکی از کارکردهای مهم نظام آموزش و پرورش، رشد و شکوفایی استعدادهای هنری و زیبایی‌شناختی قلمداد می‌شود [۸]. بنابراین بخاطر آثار و نقش تاثیرگذار تربیت هنری در ادراک و زندگی فراگیران و رشد توانمندی‌های لازم در خلق آثار هنری و حفظ و تعالی

^۱ Art Education

تصور بهتر آینده‌های ممکن و ... یاری می‌رساند. بنابراین در این پژوهش جهت دستیابی به هدف، ابتدا تربیت هنری در عصر باستان و سپس در دوره صفوی بررسی و سپس شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود استخراج می‌شود، تا با تطبیق این دو دوره در عرصه تربیت هنری، از تجارب موفقشان استفاده کرد.

روش پژوهش

این پژوهش یک مطالعه اسنادی است که با رویکرد تطبیقی-تحلیلی انجام شد. پژوهش تطبیقی، تحقیقی است که از اطلاعات قابل قیاس حداقل دو جامعه بهره‌بردار [۲۲]. جامعه آماری این پژوهش، کلیه منابع مربوط به دو دوره ایران باستان و عهد صفوی در زمینه تربیت هنری، اعم از کتب، مقالات و غیره می‌باشد. از بین منابع شناسایی شده در کتابخانه‌ها و پایگاه‌های علمی با روش نمونه‌گیری هدفمند منابعی جهت مطالعه و تجزیه و تحلیل انتخاب شدند. در باره روش تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود نیز ۰ از آنجایی که معیارهای طبقه‌بندی توصیفی است، تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای روش برودی در چهار مرحله توصیف^۱، تفسیر^۲، هم‌جواری^۳ و مقایسه^۴ انجام شد. در این مقاله نیز ابتدا با مراجعه به اسناد مربوط به دو دوره ایران باستان و عصر صفوی مانند کتب، مقالات و غیره اطلاعات مربوط به تربیت هنری دو دوره جمع‌آوری گردید و یادداشت‌های لازم برای مراحل بعدی انجام شد (توصیف). در این مرحله پژوهش‌گر باید به توصیف موضوع تحقیق بر اساس اسناد و داده‌های موجود بپردازد که از منابع گوناگون یا مشاهده مستقیم و بررسی اسناد و گزارش‌های دیگران به دست آورده است [۲۳]. در مرحله بعد اطلاعات توصیف شده مورد بررسی و تفسیر واقع شد و با وارسی این اطلاعات می‌توان به دقت بودن و مناسب بودن آن‌ها اطمینان حاصل نمود (تفسیر). در مرحله هم‌جواری نیز به طبقه‌بندی و دسته‌بندی اطلاعات پرداخته شد. در این تحقیق هرکدام از اطلاعات به دست آمده که در یک راستا بودند در یک طبقه قرار گرفتند و برایشان عنوان واحدی انتخاب شد (هم‌جواری) و در نهایت اطلاعات طبقه‌بندی شده در تحقیق مورد تحلیل قرار گرفت و با یکدیگر مقایسه شد (مقایسه) [۲۴].

رسیدند، که در هر دوره تاریخی، از جمله عصر باستان نیز، آلات و ادوات مختلفی برای اجرای موسیقی استفاده می‌شد. درختی و توکلی [۱۶] در پژوهش خود با عنوان «پارچه‌بافی و صنعت نساجی در دوره هخامنشیان»، به این نتیجه رسیدند، که نساجی و پارچه‌بافی، به عنوان یکی از صنایع مهم، در عصر هخامنشیان بوده است. صغری‌غضنفری و طباطبایی [۱۷] نیز، در پژوهشی دیگر با موضوع «جایگاه زن و موسیقی در عصر صفوی و بازنمود آن در نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسبی»، دریافتند، که توبه شاه تهماسب، تأثیر زیادی بر اوضاع سیاسی اجتماعی و فرهنگی گذاشت و بالتبع آن نیز، موسیقی تحریم گردید. تشکری‌باقفی [۱۸] نیز، در بررسی خود با عنوان «درآمدی بر صنعت بانندگی یزد در عصر صفوی» متوجه شد که حمایت حکومت مرکزی از کارگاه‌های نساجی، موجب رونق اشتغال در این صنعت شده است. همچنین معمارزاده [۱۹]، با انجام پژوهشی مبنی بر «نقاشی عصر صفوی (مکتب اصفهان و تبریز)»، به این نتیجه دست یافت، که با گرایش شاه تهماسب به زهد و تقوا، وی از حمایت هنرها دست کشید و به پیرو این امر، نقاشی نیز دچار تحول گردید.

وجه نوآوری پژوهش حاضر در مقایسه با کارهای انجام شده، در این است که در پژوهش‌های تحقق یافته فقط به صورت تک بعدی به بررسی تربیت هنری یک دوره خاص پرداخته شده است. اما در پژوهش حاضر به بررسی تطبیقی تربیت هنری در ایران باستان با دوره صفوی پرداخته می‌شود که در تحقیقات دیگر مورد بررسی قرار نگرفته است و امید است با انجام پژوهش حاضر بتوان از تجارب موفق این دو دوره، در زمینه تربیت هنری در آموزش استفاده نمود. همچنین دلیل انتخاب این دو دوره، وجود آثار متنوع هنری به‌جای مانده از این دوره‌ها و شهرت این دوره‌ها به رشد و رونق کارهای هنری است که به صورت بارز تا عصر امروز نیز بجا مانده اند. لذا انجام پژوهش‌های تطبیقی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در اهمیت مطالعات تاریخی کاردان [۲۰] معتقد است؛ شرط درک و فهم مشکلات تربیتی و برطرف کردن آن‌ها، بررسی و مطالعه تاریخ ظهور و تطور نهادها و نظریه‌های تربیتی هر فرهنگ و تمدن است؛ چرا که نهادهای آموزشی هر جامعه‌ای محصول تاریخ و تنها به یاری تاریخ می‌توان آن را تبیین کرد. یا طبق پژوهش ناتال ۱ [۲۱] مطالعه تاریخ به ما در توضیح و درک زمان حال، انسان‌ها،

¹ Nuttall

² Description

³ Interpretation

⁴ Juxtaposition

⁵ Comparison

ابزار موسیقی و به عنوان یکی از پرکاربردترین ابزار موجود در رویارویی نظامی بود، که برای دادن علائم به نظامیان برای جنگ و یا ورود قسمتی از نظامیان به جنگ کاربرد داشت [۲۸].

بنابراین مطابق با آنچه که بیان شد، موسیقی به عنوان مصداق بارز هنر در دوران باستان، تحولات عظیمی داشته و از پیشرفت چشم‌گیری برخوردار بوده است. همچنین از موسیقی برای اهداف خاصی از جمله ایجاد دلهره و تهییج در دل دشمنان و آگاهی بخشی به سپاهیان استفاده می‌شد و از ابزارهای گوناگونی در این هنر استفاده می‌شده است. همچنین بنابر آنچه که بیان شد هنر موسیقی در عصر باستان بیشتر در عرصه نظامی به جهت اهداف گوناگون آن استفاده می‌شد و مورد توجه حاکمان این زمان بود. براین اساس می‌توان اظهار داشت که آموزش موسیقی در عرصه نظامی بیشتر مطمح نظر بوده است.

پیشرفت نقاشی و تأثیرپذیری کشورها از همدیگر

نقاشی، یکی دیگر از هنرهای است، که در عصر باستان، در ایران مورد توجه بوده است؛ به طوری که این هنر، در این دوران دارای رونق بسیاری بوده است. در این باره بیژن [۳۰] در کتاب چشم‌انداز تربیت، در ایران پیش از اسلام بیان می‌دارد:

«صنایع ظریفه مانند نقاشی، در دوران باستان، در کمال رونق بود و استادانی چون مانی از آن میان بیرون آمدند و آثار صنعتی ساسانی که در اثر کاوش‌ها کشف شده و تا امروز به جا مانده، خود بهترین مؤید بر مدعای ما است.»

نقاشی به عنوان یکی از مصداق هنری ایران باستان، دارای جایگاه خاصی در عهد ایران باستان بود؛ در این راستا حکمت [۲۵] در کتاب آموزش و پرورش ایران باستان می‌نویسد:

«یکی دیگر از مظاهر هنری بسیار قدیم ایران باستان، هنر نقاشی است. هنر نقاشی در ایران قدیم مرادف است با دوران خطوط تصویری، که در آثار باقیمانده‌ی نجد ایران به صورت‌های مختلف، روی مدال‌ها، سکه‌ها، ظروف گلی، سفالی و فلزی، در آثار قدیم و همچنین پارچه و قالی مشاهده می‌شود. ابنیه و کاخ‌های دوره‌ی هخامنشی باسنگ‌های برجسته و کاشی‌های پر نقش و نگار و با الوان بدیع، بر روی دیوارها و به صورت کنده‌کاری و خاتم‌کاری بر روی عاج و مانند آن، می‌توانند گویای سبک و پیشرفت هنر نقاشی در این دوران باشند. آثار متعدد از قبیل ظروف و تزیینات فلزی گران‌بها، همه دلالت بر رواج و توسعه‌ی آموزش نقاشی در این

یافته‌های پژوهش

تربیت هنری دوران باستان موسیقی: جایگاه، اهداف و ابزارها

موسیقی به عنوان نمونه‌ای از مصداق هنر در دوران باستان، رواج داشته و آموزش آن فراگیر است. براساس اثرهای به جامانده متنوع عصر هخامنشی نیز، می‌توان پی برد که هنر موسیقی به موازات سایر هنرها، در عصر ایران باستان پیشرفت و ترقی داشته است و در عصر اشکانیان نیز، این هنر دوباره جانی تازه گرفت و رنگ و بوی حماسی به خود دید. در زمان ساسانیان نیز، تحول عظیمی در عرصه موسیقی پیدا شد و جنبه هنری و تفننی و تجملی آن بیش‌تر شد [۲۵]. موسیقی و ترانه سازی در هنر ایران باستان جای مهمی داشته است؛ به طوری که رضوی [۲۶] در کتاب تربیت ایرانیان در شاهنشاهی دوران پیش از اسلام می‌گوید، «اردشیر اول، خوانندگان را در طبقه مخصوص قرار می‌داد».

در عهد باستان، از موسیقی جهت اهداف خاصی استفاده می‌شد، که در این مورد، سید و صفاکیش [۲۷] می‌نویسند: «هردوت و کنت کورس، از مورخان یونانی، در تواریخ خود ذکر کردند، در موقعی که قشون ایران برای جنگ رهسپار می‌شدند، مغها در صفوف اول قشون جای می‌گرفتند و سرودهای جنگی می‌خواندند و آلات موسیقی می‌نواختند، تا بدین طریق حس شجاعت و وطن‌پرستی را در قشون تحریک کنند.»

همچنین در عهد باستان، برای ایجاد هراس و تضعیف روحیه دشمنان و اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به سپاهیان و جهت تهییج روحیه دشمنان، از موسیقی استفاده می‌کردند [۲۸].

در دوران باستان، از ابزارهای مختلفی برای هنر موسیقی استفاده می‌کردند، نقاره، یکی از ابزاری است که در هنر موسیقی دوران باستان مورد استفاده قرار می‌گرفت و به عنوان مهم‌ترین ساز کوبه‌ای، با فراوانی قابل توجهی، در زمان‌های جنگ مورد استفاده قرار می‌گرفت [۲۸]. در این باره نیز نیکانارو^۱ [۲۹] معتقد است، که «سازهایی نظیر نقاره، جزو سازهای کوبه‌ای بوده، که نقش اجرای آهنگ‌های مختلف، در موقعیت‌های متفاوت جنگ را ایفا می‌کردند و همواره در فضای باز، در جنگ‌ها یا در محوطه نقاره‌خانه‌ها استفاده می‌شد.»

از جمله سازهای دیگری که در هنر موسیقی دوران باستان مورد استفاده بوده و می‌توان بدان اشاره کرد، شیپور و کرنا می‌باشد. شیپور و کرنا نیز، به عنوان یکی از مهم‌ترین

^۱ Nikonorov

دنباله‌ی هنر کوزه‌گری بوده و در آغاز از هدف خاصی برخوردار بوده است. به‌طوری که این هنر به دنبال صنعت سفال و کوزه ایجاد شده است که آریایی‌ها از زمان‌های دوری با آن آشنایی داشتند، و کوزه‌گران در عهد باستان، در فن قالب‌ریزی آن‌ها نیز مهارت داشتند. در ابتدا نیز، برای ادای هدایا و نذورات به پیشگاه رب‌النوع، به جهت امید و حمایت از اغنام و احشام، انواع مجسمه‌های حیوانات را به طریق قالب‌ریزی می‌ساختند [۲۵].

بر بنیاد مطالب پیشین می‌توان گفت هنر پیکرنگاری، که به عنوان هنری شاخص در دوران ایران باستان به شمار می‌رفت، افراد در عهد باستان، در این هنر دارای مهارت زیادی بودند و ورزیدگی بسیاری را در این هنر داشتند و وجود نقاشی‌های مختلفی از حیوانات، گیاهان و انسان بر روی سنگ‌ها و دیوارها مؤید این امر هستند. از این مورد می‌توان فهمید افراد در آن زمان از شیوه‌ها و ابزار مختلفی برای این هنر استفاده می‌کردند. پیکرک‌هایی که در این دوران ساخته می‌شد، متعلق به افراد خاص و پیدایش آن به دنبال هنرکوزه‌گری، در راستای اهداف خاصی بوده است. البته باید اشاره داشت که ابتدا برای ادای نذورات گوناگون، انواع این قالب‌ها به شکل حیوانات مختلف ساخته می‌شد. سپس رفته رفته این هنر پیشرفت کرد، به‌طوری که مورد توجه سلاطین و بزرگان واقع گردید و تندیس‌های گوناگون سلاطین و حاکمان، توسط هنروران متبحر این هنر، در این عصر ساخته شد.

آموزش بافندگی و اقسام آن

بافندگی نیز، از جمله هنرهای شاخص دوران باستان به شمار می‌رفت و مورد عنایت حاکمان آن زمان بود؛ به باور یآوری [۳۳]، «در دوره هخامنشی، بافت پارچه‌های ابریشمی و پشمی پررونق و شاهان به داشتن لباس زیبا معروف بودند. قصر پادشاهان دارای پرده‌های زیبا و رنگارنگ بود و تولید پارچه‌های زربافت، جهت پوشش و تزئین کاربرد داشت». هنر بافندگی نیز در دوران باستان، به دلایل مختلف، پیشرفت به‌سزایی را داشت؛ از جمله دلایل پیشرفت این هنر در عهد باستان را بر اساس نوشته‌های هردوت و پلوتارک، استفاده اسکندر از لباس‌های زرین ایران تا پایان مرگ خود با آن همه تعصب یونانی برشمرند [۳۴].

هنرمندان صنعت بافندگی در زمان ایران باستان، با بکارگیری طرح‌های گوناگون طبیعی و غیره، آثار بدیعی را خلق می‌کردند، به‌طوری که هنرمندان عرصه این هنر، با استفاده از طرح‌های طبیعی، موضوعات مختلفی به وجود می‌آوردند، که در آن نیز تزئینات مختلف گیاهی هندسی

دوره است. بدرستی می‌توان ادعا کرد، که در این زمان، همگام با سایر ترقیات و پیشرفت‌های علمی و اجتماعی، هنر نقاشی نیز به صورت آموزش عالی تدریس می‌شده است.»

گیرشمن [۳۱] نیز، در کتاب ایران از آغاز تا اسلام معتقد است، که «نقاشی دیواری در عهد باستان، توسعه بسیاری داشته است و وجود نقوشی مثل اروس سوار بر اسبی سرخ، مطربان، شاه و ملکه، نشانگر وجود نفوذ جریان هنر یونانی در ایران عهد پارتیان است.»

همان‌گونه که اشاره شد، نقاشی به عنوان یکی از نمونه‌های شاخص هنری ایران باستان، در این دوران دارای رونق بوده و از پیشرفت خوبی برخوردار بوده است؛ به‌طوری که نقوش برجسته موجود بر آثار باقیمانده از این دوران، مؤید این موضوع است. همچنین آثار به جای مانده از آن دوران، مؤید وجود افرادی ماهر، چون مانی در این هنر است و هنر نقاشی در این عصر مورد توجه حکومت‌ها بوده، چرا که به صورت رسمی در آموزش عالی تدریس می‌شده است. پس می‌توان بیان کرد که از افراد متخصص و دوره دیده برای تدریس این هنر در سطح آموزش‌های عالی استفاده می‌شد.

پیکرنگاری: اهداف و شیوه‌های گوناگون

هنر پیکرنگاری از هنرهای جذاب و مورد توجه در ایران باستان بوده است به گونه‌ای که افراد، دارای مهارت زیادی در این هنر بودند؛ به‌طوری که هنر مجسمه‌سازی و پیکرتراشی در عهد ایران باستان، به خصوص در عصر ساسانیان، به درجه‌ای والا ارتقا یافته است؛ چراکه مجسمه شاپور اول و پیکرتراشی‌های برجسته طاق بستان، که تا عصر ما باقی مانده است، نشانه‌های مهارت ایرانیان در این هنر است [۲۶]. حکمت [۲۵] در این باره اشاره می‌کند:

«حفریات و کاوش‌های اخیر، غنای هنر ساسانی از جمله نقاشی را نشان می‌دهد. از روی آثار هنری و تصاویری که از صحنه‌های مختلف به صورت گچ‌بری و نقاشی از حیوانات و گیاهان و انسان بر روی سنگ‌ها و دیوارها نقش شده است، می‌توان دریافت، که در این زمان هنرمندان و استادانی چیره‌دست به پیکرنگاری اشتغال داشتند.»

پیکرنگاری در دوران باستان، به شیوه‌های گوناگونی ساخته می‌شده و به افراد خاصی تعلق داشته است؛ به‌طوری که در عهد باستان و مخصوصاً دوره اشکانیان، تعداد بسیاری مجسمه و پیکرک‌های کوچک گلی، علاوه بر نقوش برجسته با روش‌های گوناگونی ساخته می‌شد، که به سلاطین و حاکمان محلی و اشخاص نظامی و مذهبی تعلق داشته می‌داشت [۳۲].

نوشته‌ها حاکی از آن است، که پیدایش هنر پیکرنگاری،

شده و قرینه به کار می‌رفت [۳۵].

همچنین در عهد باستان، آموزش‌های لازمی از بابت هنر بافندگی صورت می‌گرفت، که حکمت [۲۵] در این خصوص معتقد است:

«آموزش هنر قالی‌بافی، بخصوص قالی‌های ابریشمی، بسیار دشوار و مستلزم دقت فراوان است و استادان هخامنشی کلاس‌های مخصوصی برای آموختن آن به نوجوانان در نقاط مختلف، دایر کرده بودند. همچنین با ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌ها نیاز به آموزش‌های تخصصی جدیدی در صنعت بافندگی پدیدار می‌گردد و نیز مسئله تخصص و علم برای اداره امور کارگاه‌های بافندگی پیش می‌آید، که جز به کمک مدارس عالی حرفه‌ای و گذراندن دوره‌های آموزش نظری و مقدماتی، دسترسی به آن دشوار به نظر می‌رسد».

بنابراین، مطابق با توضیحات فوق، می‌توان گفت این هنر نیز، به مثابه سایر هنرهای بارز در این عهد، دارای رونق و پیشرفت بوده و جهت کاربردهای گوناگون به کار برده می‌شد. همچنین به منظور آشنایی افراد با این هنر، آموزش‌های لازم در قالب کلاس‌های تخصصی و غیره، شکل می‌گرفته است. بنابراین می‌توان فهمید که برای آموزش هنر بافندگی در زمان ایران باستان از افراد متخصص در این حیطه با روش‌های گوناگون تدریس استفاده می‌شد. همچنین می‌توان بیان داشت، این هنر مورد توجه پادشاهان و بزرگان آن زمان بود و به این هنر علاقه زیادی نشان می‌دادند؛ چراکه این اشخاص از لباس‌های معروف و با ارزشی استفاده می‌کردند و از پارچه‌های گوناگون ابریشمی و غیره در قصر آنها استفاده می‌شد.

جایگاه خوشنویسی و پیشرفت آن

خوشنویسی از جمله هنرهایی است، که متأسفانه کم‌تر مورد پژوهش و بررسی محققان درباره آن، از عهد باستان دارند؛ اما این مطالب کم نیز، بیانگر آن است که این هنر مورد عنایت افراد در این دوره بوده است؛ به طوری که در عهد باستان، خوشنویسان از منزلت ویژه‌ای برخوردار بودند. برجیان [۳۶] در این خصوص می‌گوید:

«درست است که خواندن و نوشتن در میانه عامه دوران باستان بسی کم‌تر از عهد اسلامی رواج داشته، اما این را نیز می‌دانیم که در عهد ساسانی دبیران از منزلتی والا برخوردار بودند و حرفه ایشان، علاوه بر تبحر در فن بلاغت و انشای مکاتبات حساس، خوشنویسی را هم ایجاب می‌کرد. خوشنویسی در حقیقت، از نخستین شرایطی بود که بهترین دبیران واجد آن، به دربار راه می‌یافتند و دبیرانی که در خط و خرد کم‌مایه‌تر بودند، در خدمت فرمانروایان محلی ولایات

در می‌آمدند».

شواهد به دست آمده از کتیبه‌های گوناگون دوران باستان، حاکی از آن است که به خوشنویسی در دوران باستان اهمیت زیادی می‌شده و رعایت مؤلفه‌های گوناگون خوشنویسی در این عهد، گویای پیشرفت هنر خوشنویسی در این عصر است؛ به طوری که ویژگی‌های هنری در خط ایران باستان، اعم از بهره‌گیری از خط زمینه، تراز حاشیه سطر از سمت چپ و راست، فاصله مساوی میان سطرها، مشابه‌نویسی حروف در نویسه‌های یکسان، توازی محور فرضی در تمام حروف عمودی و افقی و مایل، طراحی حروف در قالب‌های مربع و مستطیل شکل و غیره مؤید این موضوع است [۳۷].

بنابراین می‌توان اذعان نمود، هنر خوشنویسی در عصر ایران باستان، دارای جایگاه والایی بوده و هنرمندان این عرصه جایگاه شایسته‌ای داشتند. در واقع، افرادی که در این هنر متبحر بودند در خدمت دربار و کاتبان نامه‌ها و مکتوبات سلاطین و وزرای دربار بودند. اما افرادی که در این امر مهارت کمی داشتند در محلات و مراکز مدیریتی پایین‌تری مشغول به خدمت بودند. پس می‌توان اذعان داشت نظر به حمایت حاکمان و بزرگان از این هنر، این هنر در بستر آموزش‌های گوناگون و با اشخاصی که در این حیطه مهارت داشتند مورد توجه بوده است. همچنین مؤلفه‌های گوناگون رعایت شده برای خط در آن زمان، گویای پیشرفت هنر خوشنویسی در آن دوران است.

تربیت هنری در دوران صفویه

دلایل تضعیف موسیقی و اشکال مختلف آن

هنر موسیقی، یکی از رشته‌های هنری بارز در عصر صفوی بود؛ اما این هنر تحت تأثیر تفسیرهای مذهبی خاص سلاطین این دوره در این دوران قرار گرفت و از پیشرفت بازماند و توسط شاهان صفوی، از جمله شاه تهماسب و شاه سلطان حسین ممنوع اعلام شد؛ به طوری که شاه تهماسب برای ترویج و رونق مذهب و احکام دینی، طی حکمی، شراب و بوزه و بنگ و آلات موسیقی را حرام اعلام نمود [۳۸]. شاه سلطان حسین نیز، در آغاز سلطنت خود طی فرمانی انواع مسکرات، فواحش و غیره را منع نمود، که اجرای این دستور نیز، موجب شد که موسیقی به عنوان وسیله‌ای برای اجرای امور مربوط به مناهای تلقی شود و این هنر مورد تحریم و محدودیت قرار گرفت [۳۹].

تحریم و منزوی شدن موسیقی، موجب آن شد، تا هنر موسیقی در دوران صفوی تضعیف شود، به طوری که جنبه علمی آن سیر نزولی پیدا کرد، که سیاست‌های مذهبی شاه اسماعیل و به خصوص شاه تهماسب در دوره سلطنت دوم،

این سیر نزولی را شدت بخشید [۴۰].

باوجود تحریم شدن و سیر نزولی موسیقی در عصر صفوی، این هنر در دوره صفویه، در اشکال مختلفی از جمله موسیقی نقاره‌ای، مجلسی، مطربی و غیره رواج داشت. یکی از مهم‌ترین انواع موسیقی نیز، موسیقی نقاره‌ای بود، که این موسیقی را نوازندگان با پوست صدا، هواصدا و خودصدا اجرا می‌کردند [۴۱]. در هنگام جنگ، نقاره‌چیان حضور فعال داشتند و می‌کوشیدند با ایجاد سر و صدا در دشمن، رعب و وحشت ایجاد کنند [۴۲]. همچنین نقاره‌چیان، وظایف دیگری اعم از اعلام برخی موارد خاص مانند وقت نماز، اعلام ورود شاهان، جشن تاج‌گذاری، جشن عروسی و غیره داشتند [۴۱].

بنابراین موسیقی در دوران صفوی به جهات گوناگون از جمله به جهت رویکرد مذهبی سلاطین و پادشاهان این دوره و شناخته شدن این هنر به عنوان عامل اجرای امور منکرات و مناهی، مورد تحریم و محدودیت واقع شد و از پیشرفت بازماند و این امر موجب نزول آن شد که از این موضوع می‌توان نتیجه گرفت که آموزش موسیقی در بستر کلاس‌های رسمی و آموزش‌های رسمی مورد توجه نبوده است. همچنین در این دوران، اشکال مختلف موسیقی رواج داشت، که هرکدام کاربردهای خاص خود را داشتند. بنابر آنچه که بیان شد با حضور فعال نقاره‌چیان در جنگ‌های مختلف در این عصر می‌توان بیان داشت این هنر در این عصر بیشتر در عرصه نظامی مورد توجه بوده است.

فراز و نشیب‌ها در هنر نقاشی

نقاشی نیز، در عصر صفوی به عنوان یکی از مصادیق بارز هنر شناخته می‌شد، اما متأسفانه این هنر نیز، به دلیل رویکرد مذهبی حکومت صفوی منزوی شد و از پیشرفت بازماند؛ محدودیت‌ها و تحریمات دینی، بر منزلت عمومی هنرمندان عرصه نقاشی تأثیر داشت و در طول تاریخ تشکیل هنرهای اسلامی، محدودیت نگارگری، تأثیری ژرف بر نگارگری واقع‌گرایانه داشت؛ براین اساس در یک نگاه کلی، هنر نقاشی به دلایل دینی، در میان اکثریت مردم اهمیتی نداشت [۳۹]. نقاشی در عصر صفوی، با توجه به ویژگی‌های خود، در دو مکتب تقسیم شده است؛ مکتب اول نقاشی و مکتب دوم نقاشی. گل محمدی [۴۳] در این خصوص می‌گوید:

«سبک و مکتب نقاشی دوره صفوی دو قسمت است، اول مکتب تبریز، تا زمانی که پایتخت به قزوین منتقل شد و به همان شیوه نقاشی می‌شد و مینیاتورهای این دوران، همه در یک نوع و از لحاظ ظرافت‌کاری و حرکت طرح و رنگ، دنباله مکتب هرات را گرفته و با مختصر تفاوت ادامه یافته است.

دومین مکتب نیز، بعد انتقال پایتخت صفوی به اصفهان است. سبک و شیوه نقاشی و مینیاتورسازی تحولی پیدا کرد، که نمونه‌های بارز آن، نقوش تزئینی مساجد اصفهان و کاخ چهل ستون و عالی قاپو می‌باشند».

با وجود رکود هنر نقاشی در عصر صفوی، استقلال نقاشی از کتابت بر روی زمین، تحول اساسی در هنر نقاشی بود، که تا قبل از دوران صفوی سابقه چندانی نداشت؛ جوانی [۴۴] در این خصوص می‌گوید:

«در اواخر این سده، رویکردی جدید در حوزه نقاشی شکل می‌گیرد و نقاشی عالمی دیگر را طی می‌کند؛ بدین معنی که هنر تا حدودی از عالم تخیل و فضا با رنگ و بوی صوفیانه به عالم واقع و تعقل نزدیک و یا حداقل از شدت روح معنوی و یا نگرش معنوی آن کاسته می‌شود و به بیان بهتر، عالم مثال را در ساحتی دیگر بیان می‌کند».

لذت‌آفرینی و خوشی نیز، از دیگر ویژگی‌های رویکرد نقاشی در این دوران بود، که در سابقه خود بی‌نظیر بود؛ به‌طوری که در عصر صفوی، با زمینی شدن هنرها، تدریجاً رویکرد به لذت‌جویی در هنرها زیاد شد و ذوق هنری نیز، به لطافت و تزئینی بودن نقاشی‌ها معطوف شد [۴۵].

برمبنای مطالب بیان شده، هنر نقاشی نیز، با توجه به رویکرد مذهبی دوره صفوی مورد محدودیت قرار گرفت و این محدودیت تأثیر بسزایی در نقاشی‌های واقع‌گرایانه داشته است. در این دوره، هنر نقاشی با ویژگی‌های خود، به دو قسمت مکتب اول و دوم نقاشی تقسیم می‌شود. همچنین از جمله تحولات هنر نقاشی در این دوره را می‌توان به تغییر دیدگاه نقاشان از عالم تخیلات به عالم واقعی و دارا شدن رویکرد لذت‌آفرینی و خوشی برشمرد. همچنین با توجه به یافته‌های موجود می‌توان بیان داشت که این هنر با محدودیت‌هایی که داشت مورد توجه نبوده و برای آن کلاس‌ها، آموزش‌ها، شیوه‌ها و افراد متبحر مطمح نظر نبوده است.

تحولات هنر پیکرنگاری

هنر پیکرنگاری نیز، یکی از هنرهایی است، که در دوران صفوی مورد توجه افراد این دوران بود؛ به‌طوری که تحولات و نوآوری‌های زیادی در این حیطه داشتند. میرزمانی [۴۶] در این خصوص معتقد است:

«با آمدن صفویان و اهدافی که آن‌ها داشتند، مجسمه‌های شیر سنگی، جای مجسمه‌های قوچ سنگی را گرفت، گرچه آن را از بین نبرد. صفویان هرچند در اغلب امور هنری، به ویژه تصویرگری و نقاشی، بنیان‌های تازه‌ای ریختند، اما در مجسمه‌سازی محتاطانه عمل کردند. با این وجود،

تغییرات و ابداعات در هنر بافندگی

هنر بافندگی از جمله هنرهایی بود، که در عصر صفوی پیشرفت بسیاری کرد و ابداعاتی در آن صورت گرفت؛ به طوری که توانست در این عصر به اوج خود برسد؛ زکی [۴۸] در این باره بیان می‌دارد:

«بافندگان عصر صفوی، با مهارتی که از آن برخوردارند و با توجه به مواد اولیه و مرغوب و مناسبی که در اختیار داشتند، ابداعاتی در فن پارچه‌بافی و قالی‌بافی پدید آوردند. نقوش با ظرافت و زیبایی بیش‌تری به بافت پارچه و فرش منتقل می‌شد. در این دوره هنرمندان و پارچه‌بافان با استفاده از اندوخته‌های کهن خود که به شیوه‌ها و تکنیک‌های جدید آموخته بودند و از طرفی با کمک‌هایی که از سایر کشورها برای تعلیم هنرمندان به کار می‌گرفتند، توانستند هنر پارچه‌بافی و منسوجات را به اوج برسانند.»

پارچه‌بافی به عنوان یکی از صنایع مهم دوره صفوی به حساب می‌آمد؛ به طوری که شاهان صفوی به این هنر علاقه و اهتمام داشتند. تولید پارچه‌ها در این زمان، همراه با نقش و نگار طبیعی بر روی آن‌ها همراه بود؛ به گونه‌ای که در زمان شاه تهماسب، در قزوین مکتب هنری خاصی در بافندگی به وجود آمد، که از ویژگی‌های ترنج و گل و گیاه بود [۴۹].

هنر بافندگی به خصوص قالی‌بافی، در عصر صفوی مورد حمایت سلاطین این دوره قرار گرفت و رواج بسیاری پیدا کرد؛ به طوری که سلاطین با دریافت برخی گزارشات از طراحی‌ها و رنگرزی‌ها و با حمایت از هنرمندان قالی، به رواج قالی‌های نفیس و طرح‌های گردان، اعم از قالی مخمل کمک زیادی کرد؛ به عبارتی، سلاطین عصر صفوی با گستراندن کارگاه‌های قالی رسمی و درباری به رواج این هنر کمک نمودند؛ چراکه کارگاه‌های مقطعی و موقت قالی رسمی، تنها برای سلاطین آن دوران بود [۵۰].

بنابر آنچه که بیان شد، هنر بافندگی در عصر صفوی، دستخوش تغییرات قرار گرفت و ابداعاتی در آن صورت گرفت، که همراه با حمایت سلاطین عصر صفوی از هنرمندان این هنر، برپایی کارگاه‌های گوناگون و با پیگیری‌هایی که ایشان از گزارشات، طراحی‌ها و رنگرزی‌ها که داشتند، هنر بافندگی پیشرفت و توسعه پیدا کرد. پس می‌توان اظهار داشت؛ استفاده از نقوش گوناگون و با ظرافت و زیبایی‌های بسیار در انواع و اقسام منسوجات در این دوره و همچنین بهرمندی از روش‌ها و فنون مختلف و متنوع در این هنر توسط هنرمندان عرصه این هنر مؤید این موضوع است.

مجسمه‌سازی ایران در این دوران، حرکت تازه‌ای کرد و رکورد چندصد ساله گذشته را پشت سر گذاشت. در این دوره، شاهد تحولات و نوآوری‌های زیادی هستیم. در ابتدا مصالح کار، از گچ به سنگ تبدیل شد.»

از مجسمه‌سازی دوران صفوی، مطالب زیادی در دست نیست، اما شرحی که شاردن درباره دیدارش با یکی از شاهزادگان صفوی به نام حمزه میرزا داده، علاوه بر نقش زنان عریانی که بر دیوارهای کاخ او دیده، از مجسمه‌های چوبی که حمزه میرزا شخصا از انسان و حیوان ساخته بوده، یاد و تحسین کرده است [۴۷].

پیکرنگاری در دوران صفوی بر عهده صنف خاصی بود. از طرفی نیز تغییراتی در استفاده از مجسمه‌ها و محل نصبشان به عمل آمد. همچنین در این دوران، از هنرهای مختلف، از جمله هنر پیکرنگاری برای خدمت به مذهب استفاده می‌شده است؛ در همین راستا میرزمانی [۴۶] می‌نویسد:

«مجسمه‌سازی تصویری، که در دوره سلجوقیان در اختیار گچ‌بران و گاه سفالگران بود، در دوره صفویان به دست حجاران افتاد و صنف حجار، مکلف به اجرای این صنعت شد. در کاربرد مجسمه و محل نصب آن نیز، تغییراتی حاصل آمد و در نهایت این هنر، با معماری بیش از پیش توأم گردید. در این دوره اگرچه کاخ شاهان مطمح نظر بود، اما امام‌زاده‌ها و قبرستان‌ها نیز به مکان‌های مجسمه‌پذیر پیوست. از جمله راه‌هایی که صفویان برای گسترش بیش از پیش مذهب، در میان اقدار مختلف جامعه به کار بردند، استفاده از هنر در خدمت مذهب بود. از این مضامین آنچه به مجسمه‌سازی مربوط می‌شود، شیرهای سنگی این زمان است. با روی کار آمدن صفویان، هنر مجسمه‌سازی با موضوعات حیوانی در کنار معماری نمایان بیش‌تری داشت، ولی با این وجود به پیشرفت قابل توجهی نرسید.»

بنابراین می‌توان گفت، پیکرنگاری نیز، براساس نوشته‌های موجود، در عصر صفوی از تحولات مختلفی برخوردار شد. همچنین پیکرنگاری در این عصر برعهده صنف حجار قرار گرفت و در مواردی نیز در خدمت مذهب واقع شد به طوری که مجسمه‌ها و تندیس‌های گوناگون با اشکال مختلف در قبرستان‌ها و امام‌زاده‌های مختلف ورود کرد. مصالح و ملزومات مورد استفاده هنر پیکرنگاری در این عصر نیز از گچ به سنگ تغییر یافت، اما بایستی اشاره داشت، با وجود استفاده‌های گوناگون از این هنر، در قالب تندیس‌ها و مجسمه‌های گوناگون، این هنر پیشرفت چندانی در این عصر نداشته است. بر این اساس می‌توان بیان داشت این هنر در آموزش‌های رسمی جایگاهی نداشته و برنامه درسی برای این امر وجود نداشته است.

تقدس هنر خوشنویسی در عصر صفوی

هنر خوشنویسی، از جمله هنرهایی است که در عصر صفوی، رشد و پیشرفت نموده و از جایگاه بالایی برخوردار بوده است. نعمتی و فولادی [۳۹] در این باره اشاره دارند:

«الزامات مذهبی و تقدس خط، در کنار مواردی چون علاقه‌مندی شاهان، شاهزادگان و اشراف به خوشنویسی و خوشنویسان، علاقه تاریخ‌نگاران به خوشنویسی و مهارت آن‌ها در این فن، و ضرورت‌های اداری، باعث رشد خوشنویسی و توجه به ثبت تاریخ‌نگاری در عصر صفویه شد.»

خوشنویسان عصر صفوی نیز، به جهت تقدس خط در این عصر، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بودند. با عنایت به اینکه مذهب، سفارشات را در عرصه خوشنویسی در عصر صفوی داشت، این هنر جنبه تقدسی به خود پیدا کرد و هنرمندان عرصه این هنر، به لحاظ اداری و سازمانی مورد عنایت بودند و حتی اشراف صفوی نیز به این امر اشتغال داشتند [۳۹].

هنر خوشنویسی در عصر صفوی، حاوی کاربردهای فراوانی بود؛ پات و همکاران [۵۱] در این خصوص گفتند:

«هنر خوشنویسی علاوه بر کاربردی که در آثار و ابنیه هنری دارند، حاکمان صفوی برای کتابت نامه‌ها، فرمان‌ها و اسناد حکومتی نیز، همواره نیازمند هنروران خوشنویس بودند، که از این رو خوشنویسی به عنوان هنری کاربردی و خوشنویسان به عنوان تولیدکننده‌گان این هنر، از منزلتی روزافزون، در دربار صفوی برخوردار می‌شدند.»

سوچک [۵۲] نیز، در رابطه با کاربرد و نیاز به استفاده از خوشنویسی می‌گوید:

«خوشنویسی به عنوان عنصر و ابزاری تزئینی، نه تنها برای کتابانی که به نسخه برداری از روی کتاب‌ها می‌پرداختند، بلکه برای مهرسازان، سکه‌سازان، زره‌سازان، فلزکاران و بسیاری دیگر نیز، نیازی بنیادی و مهم تلقی می‌شد.»

توضیحات فوق نشان داد، که هنر خوشنویسی در عصر صفوی، به دلیل تقدس خط در آن زمان، از جایگاه والایی برخوردار شد. همچنین از این هنر، در موارد گوناگون استفاده می‌شد و کاربردهای گوناگونی داشت و به عنوان نیازی بنیادی تلقی می‌شد. هنرمندان عرصه خوشنویسی نیز، از جایگاه والایی برخوردار بودند.

بنابراین این می‌توان ادعان داشت؛ هنر خوشنویسی به جهت تقدس خط در این عصر و همچنین علاقه سلاطین و بزرگان به این هنر به همراه ضرورت مکاتبات در ادارات و مراکز گوناگون پیشرفت بسیاری را در این عصر داشته است. بدین جهت، خوشنویسان و افراد متبحر در این امر، در این عصر، مورد توجه بودند و از منزلت والایی برخوردار بودند. از مجموع یافته‌های موجود در این حیطه می‌توان دانست که پیشرفت در هنر خوشنویسی در این عصر احتمالاً به دنبال وجود کلاس‌های مختلف آموزشی، استفاده از افراد متبحر و استفاده از شیوه‌های مختلف و متنوع خوشنویسی حاصل شده است.

به جهت جمع‌بندی هنرهای مختلف مورد بررسی در این دو عصر در پژوهش حاضر و به جهت تفهیم هرچه بهتر مطالب بیان شده مجموع این هنرها در جدول شماره ۱ تجمیع شده است.

جدول ۱. تجمیع هنرهای مورد بررسی در دوران باستان و عصر صفوی

عصر صفویه	دوران باستان
هنر موسیقی ۱- به جهت رویکرد مذهبی مورد تحریم واقع بود. ۲- اشکال مختلف موسیقی رواج داشت. ۳- بیشتر در عرصه نظامی استفاده می‌شد.	هنر موسیقی ۱- دارای رواج بوده و پیشرفت داشته است. ۲- برای اهداف گوناگون، در جنگ‌ها استفاده می‌شد. ۳- از ابزارهای مختلف در این هنر استفاده می‌شد.
هنر نقاشی ۱- به جهت رویکرد مذهبی مورد تحریم واقع بود. ۲- با ویژگی‌هایی به دو قسمت مکتب اول و دوم تقسیم شد. ۳- از عالم تخیلات به عالم واقعی تغییر کرد. ۴- دارای رویکرد لذت‌آفرینی شد.	هنر نقاشی ۱- دارای پیشرفت بوده و رونق داشته است. ۲- از این هنر به صورت‌های مختلف، بر روی وسایل مختلف استفاده می‌شده است. ۳- افراد متبحری در این امر، در این عصر وجود داشتند.
هنر پیکرنگاری ۱- دارای تحولات مختلف شد. ۲- بر عهدا صنف حجار واقع شد. ۳- در خدمت مذهب واقع شد ۴- پیشرفت چندانی نکرد.	هنر پیکرنگاری ۱- هنری شاخص در این عصر بوده است ۲- افراد متبحری در این امر در این عصر وجود داشتند. ۳- از نقاشی‌های مختلف بر روی تندیس‌ها استفاده می‌شده است. ۴- تندیس‌های مختلفی برای سلاطین و بزرگان در این عصر ساخته می‌شد.

<p>هنر بافندگی</p> <p>۱- دارای ابداعاتی شد.</p> <p>۲- رشد و توسعه پیدا کرد.</p> <p>۳- از ظرافت و زیبایی‌های گوناگون در آن استفاده شد.</p> <p>۴- از روش‌ها و فنون مختلفی در آن استفاده می‌شد.</p>	<p>هنر بافندگی</p> <p>۱- این هنر نیز پیشرفت داشته است.</p> <p>۲- کاربردهای گوناگون داشته است.</p> <p>۳- مورد توجه بزرگان بود.</p>
<p>هنر خوشنوی</p> <p>۱- پیشرفت داشت.</p> <p>۲- افراد دارای این هنر از منزلت بالایی برخوردار بودند.</p>	<p>هنر خوشنویسی</p> <p>۱- دارای منزلت بالایی بوده است</p> <p>۲- افراد متبحر این امر در دربارها حضور داشتند.</p> <p>۳- از مولفه‌های مختلف در این امر استفاده می‌شد.</p>

برای جمع‌بندی در خصوص مقایسه عهد باستان و دوران صفوی در زمینه تربیت هنری نیز، می‌توان به شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در قالب جدول شماره ۲ اشاره نمود.

جدول ۲. مقایسه تربیت هنری دوران باستان با عصر صفویه

هنر موسیقی	
<p>تفاوت‌ها</p> <p>۱- تغییر و تحول عظیم (دوران باستان)</p> <p>۲- پیشرفت و ترقی (دوران باستان)</p> <p>۳- تحریم و محدودیت (دوره صفوی)</p> <p>۴- استفاده از نقره برای موارد دیگر (دوره صفوی)</p>	<p>شباهت‌ها</p> <p>۱- استفاده از موسیقی ایجاد رعب و وحشت در جنگ</p> <p>۲- استفاده از نقره در حین جنگ</p>
هنر نقاشی	
<p>تفاوت‌ها</p> <p>۱- پیشرفت (دوران باستان)</p> <p>۲- تحریم و محدودیت (دوره صفوی)</p> <p>۳- رونق (دوران باستان)</p> <p>۴- آموزش عالی (دوران باستان)</p> <p>۵- رویکرد لذت‌آفرینی و خوشی (دوره صفوی)</p> <p>۶- جایگاه بالای نقاشی (ایران باستان)</p>	<p>شباهت‌ها</p> <p>۱- تغییر، تحول و ابداع</p>
هنر پیکرنگاری	
<p>تفاوت‌ها</p> <p>۱- پیشرفت (دوران باستان)</p> <p>۲- پیکرنگاری بر عهده صنف خاص (دوره صفوی)</p> <p>۳- هنر پیکرنگاری در خدمت مذهب (دوره صفوی)</p> <p>۴- تعلق پیکرهای ساخته شده به افراد خاص (دوران باستان)</p>	<p>شباهت‌ها</p> <p>۱- مهارت و ورزیدگی</p> <p>۲- تحولات و ابداعات</p>
هنر بافندگی	
<p>تفاوت‌ها</p> <p>۱- کلاس‌های مخصوص و مدارس عالی برای بافندگی (دوران باستان)</p>	<p>شباهت‌ها</p> <p>۱- پیشرفت و توسعه</p> <p>۲- مهارت و ورزیدگی</p> <p>۳- ابداعات و نوآوری</p> <p>۴- استفاده از طرح‌های طبیعت</p> <p>۵- ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌های قالی‌بافی</p>
خوشنویسی	
<p>تفاوت‌ها</p> <p>۱- رویکرد مذهبی برای خوشنویسی (دوران صفوی)</p> <p>۲- خوشنویسی به عنوان نیازی بنیادی (دوره صفوی)</p>	<p>شباهت‌ها</p> <p>۱- جایگاه والای خوشنویسان</p> <p>۲- پیشرفت خوشنویسی</p>

نیز می‌توان گفت در این عصر به افراد موسیقیدان اهمیت چندانی نمی‌شده و مراکز آموزش موسیقی رونق چندانی نداشتند.

نقاشی نیز به عنوان هنری بارز در طی دوران گوناگون بشری، دارای شباهت تحول و ابداع در دو عصر باستان و صفوی است، و با توجه به یافته‌های حاضر می‌توان اظهار داشت تحولات و ابداعات دوران صفوی تا حد چشم‌گیری می‌تواند مربوط به رویکرد مذهبی این دوران باشد به طوری که نقاشی‌های این زمان بیشتر سوق به سوی عرفانیات، نیایشات، تصویرگری اولیا الله، اعمال عبادی و .. داشت. همچنین در این راستا می‌توان گفت تحولات و ابداعات عصر باستان می‌تواند ناشی از دلنشین بودن زیبایی این هنر در نظر خواص و بزرگان و در پی آن علاقه آنها به استفاده از این هنر در جلوه‌گری تصاویر، قدرت، خدمه، سربازان و .. بر روی سنگ‌ها و دیوارها باشد و این مورد می‌توانست موجب ابداع و پیشرفت این هنر در این عصر باشد. پیشرفت، رونق، ایجاد مراکز آموزش عالی و جایگاه والای هنرمندان نقاشی در عصر باستان، همچنین تحریم، محدودیت و ایجاد رویکرد لذت‌آفرینی هنر نقاشی در عصر صفوی نیز، از جمله تفاوت‌های موجود در این هنر، در دو دوران مورد بررسی است. براین اساس می‌توان ادعان داشت که حاکمان صفوی با رویکرد مذهبی این هنر را مکروه دانسته و می‌توان احتمال داد که شاید این محدودیت‌ها ناشی از وجود احادیث مختلف منتسب به اولیا که نقاشی موجودات زنده را تحریم کرده بودند و شاید این تحریم‌ها و محدودیت‌ها به نوعی پیشگیری از شرک و پرستش غیر خدا بوده است. بنابراین می‌توان گفت باوجود این ابداعات اما بدلیل تحریم این هنر مراکز آنچنانی برای آموزش افراد در این حیطه وجود نداشته و از روش‌های مختلف متنوع براین هنر استفاده نمی‌کردند.

مهارت و ورزیدگی و تحول و ابداع نیز، از جمله شباهت‌های مشهود میان عصر باستان و صفوی در هنر پیکرنگاری است. در هر کدام از این دوران‌ها به جهت رویکردهایی که داشتند، در این هنر تحولاتی ایجاد شد. به طوری که در عصر باستان، بزرگان تمایل به ساخته شدن تندیس‌های خود داشتند و شاید وجود این تندیس‌ها در میادین و خیابان‌های شهر و کاخ‌های آنها موجب غرور و افتخار، اقتدار و عظمت حکومتشان در این عصر می‌شده

بنابر آنچه که در جدول مشاهده شد، مواردی از شباهت‌ها و تفاوت‌های تربیت هنری عصر باستان با دوره صفوی، پس از مطالعه و بررسی منابع مختلف مربوط به دو عصر، بررسی و گزارش شد.

شباهت‌هایی که در هنر موسیقی در میان دو عصر باستان و صفوی دیده می‌شود، در استفاده از این هنر، در ایجاد رعب و وحشت در میان دشمنان در حین جنگ و همچنین استفاده از نقاره در حین جنگ با دشمنان بوده است که می‌توان اشاره داشت که بهتر بود از این هنر در سایر موارد نیز در هردو عصر پررنگ‌تر استفاده می‌شد. البته می‌توان بیان داشت که از آنجایی که جنگ‌ها و پیروزی در آنها بسیار مهم بوده بدین جهت به موسیقی در این بخش بیش‌تر توجه می‌شد. همچنین از این مورد می‌توان استنباط کرد که گروهی متشکل از افراد مختلف در جایگاه مختلف طبل‌زنان، شیپورزنان، دهل‌زنان و .. که در مکان‌های خاص آموزش دیدند به طور منظم در صفوف جنگ‌ها همواره حضور داشتند. به طوری که می‌توان بیان داشت این افراد در این مکان‌ها با انواع ریتم‌های موسیقی جنگی آشنا می‌شدند و به طور گروهی تمرین داشتند. از جمله تفاوت‌های موجود در دو عصر باستان و صفوی در بحث هنر موسیقی نیز، می‌توان به پیشرفت موسیقی و تغییر و تحولات آن در عصر باستان اشاره کرد و از موسیقی در این عصر بهره‌های بسیاری در انجام کارهای مختلف از جمله ایجاد شادی، نشاط، تخلیه هیجانی، روحی، انجام کارهای ریتم‌دار و .. می‌کردند و به احتمال این موارد موجب علاقه به این هنر در این عصر بوده و موجب پیشرفت آن شده است. قطعاً این پیشرفت نیز حاصل از وجود افراد متخصص آموزش دیده در حیطه می‌باشد. همچنین به تحریم و محدودیت موسیقی در عصر صفوی نیز می‌توان اشاره داشت؛ چراکه با توجه به حاکمیت رویکرد مذهبی، موسیقی من باب عاملی بر اجرای مناهیات تلقی می‌شد و با توجه به این موارد می‌توان فهمید در این عصر جو منفی علیه این هنر وجود داشته و خانواده‌ها فرزندان خود را از این هنر به جهت رویکرد منفی که به این هنر وجود داشت باز می‌داشتند. بدین طریق ایجاد حس و علاقه نسبت به این هنر در این عصر بسیار کم‌رنگ بوده که شاید این امر موجب نزول جایگاه این هنر در این عصر بوده و البته استفاده از نقاره در عصر صفوی برای موارد دیگر هم موضوعیت داشته است. به تبع این امر

تدریس می‌شده است.

خوشنویسی نیز به عنوان یکی دیگر از هنرهای مورد بررسی مد نظر در این پژوهش، دارای تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در دو عصر باستان و صفوی است. شباهت‌هایی اعم از پیشرفت و جایگاه والای خوشنویسان در بررسی دو عصر باستان و صفوی، چشم‌گیر بود. در عصر باستان حاکمان زمان علاقه زیادی به این هنر داشته و از خوشنویسان در دربار پادشاهان استفاده می‌کردند. همچنین در عصر صفوی به جهت تقدس خط، این هنر حاوی منزلت بالایی بوده و خوشنویسان منزلت داشتند. پیشرفت این هنر در این اعصار را می‌توان با توجه به معلومات حاضر به حمایت شاهان از خوشنویسان، کاربرد متعدد خوشنویسی، ایجاد مراکز آموزش خوشنویسی، استفاده از هنرمندان عرصه این هنر به جهت آموزش افراد مختلف، کتابت زیبای نامه‌ها و فرمان‌ها، کتابت زیبای آیات قرآن و روایات معصومین در عصر صفوی و ... نسبت داد و تمامی این عوامل موجب سوگیری علائق بزرگان و حاکمان نسبت به این هنر و بالتبع آن موجب پیشرفت این هنر در این اعصار شده بود. همچنین تفاوت‌هایی از قبیل دارابودن رویکرد مذهبی و نیاز بنیادین به هنر خوشنویسی در عصر صفوی، از جمله تفاوت‌های موجود در این هنر، در دو عصر باستان و صفوی است. در واقع، پیشرفت این هنر در عصر باستان بیش‌تر به جهت زیبایی مکتوبات بوده و در عصر صفوی به جهت تقدس این هنر بوده است و همانطوری که بیان شد در عصر صفوی این هنر در اختیار مذهب بوده و از این هنر در کتابت زیبای آیات، روایات و احادیث معصومین استفاده می‌شد تا بدین طریق در جهت گسترش مذهب حاکم در این عصر با استفاده از زیبایی این هنر قدم بردارند. براین اساس می‌توان گفت در هر دو عصر آموزش‌هایی در سطح مؤلفه‌های آموزشی مختلف از بابت این هنر انجام می‌شد تا به اهداف مدنظر در این اعصار دست یافته شود.

بحث و نتیجه‌گیری

همانطوری که اذعان شد، هنر به عنوان یکی از ابعاد وجودی انسان‌ها، نیاز به رشد و پرورش دارد و برای پرورش آن نیز، ما نیاز به تربیت هنری داریم، بنابراین لزوم توجه به تربیت هنری به عنوان یکی از ساحت‌های شش‌گانه بسیار حائز اهمیت است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، سعی بر

است. به گونه‌ای که می‌توان اذعان داشت وجود این تندیس‌ها در انظار عمومی و قصر شاهان در برابر ملت‌های دیگر بیانگر نماد، ارزش‌ها و قدرت مورد قبول مردم این حکومت‌ها بوده است و این عوامل نیز به نوبه خود می‌توانست به تقویت رونق این هنر در این عصر منجر و موجب پیشرفت این هنر در این عصر باشد. همچنین می‌توان گفت در عصر صفوی، حاکمان تمایل داشتند از این هنر به جهت مذهبی بیش‌تر استفاده کنند؛ چراکه شاید آنها قصد داشتند اعمال عبادی، مذهبی، معروفات دینی و .. را در قالب این هنر به نمایش بگذارند و نمادهای دینی و مذهبی حاکم در این عصر را بدین طریق به ملت‌ها معرفی و به گونه‌ای بتوانند بر مذهب و دین حاکم بیشتر تاکید کنند و ملت‌ها را با آن آشنا و بدان دعوت نمایند. همچنین تفاوت‌هایی از قبیل، پیشرفت، تعلق پیکرهای ساخته شده به افراد خاص در دوران باستان، پیکرنگاری برعهده صنف خاص و در خدمت مذهب بودن این هنر در عصر صفوی، از جمله تفاوت‌های دیده شده در میان این دو عصر است. بنابراین در عهد صفوی تبلور این هنر در چهارچوب مذهب بوده و در اشاعه آن قرار داشت.

هنر بافندگی نیز، به مثابه سایر هنرهای مورد بررسی، دارای تفاوت و شباهت‌هایی در دو عصر باستان و صفوی بود. پیشرفت، تحول و ابداع، مهارت و ورزیدگی، استفاده از طرح‌های طبیعت در منسوجات و ایجاد کارگاه‌ها و کارخانه‌های قالی‌بافی، شباهت‌های رؤیت شده موجود، در بررسی دو عصر باستان و صفوی است. پیشرفت این هنر در این دو عصر را می‌توان با توجه به یافته‌های حاضر اینگونه تبیین کرد که فرش‌بافی و قالی‌بافی در این دو عصر موجب گسترش بازار، افزایش اشتغال، افزایش صادرات، ارزآوری بیشتر برای کشور، استفاده از فرش‌ها و قالی‌های گسترده در کاخ‌ها، مساجد و ... شده بود و این موارد موجب حمایت شاهان و بزرگان این عصر بوده است. البته باید اشاره داشت که استفاده از پارچه‌ها و لباس‌های مرغوب مطمحنظر این بزرگان بوده و تمام این عوامل موجب تقویت این هنر در این عصر و بالتبع آن پیشرفت بسزایی در این عرصه در این دو عصر داشته است. از طرف دیگر وجود مدارس آموزش عالی در عصر باستان نیز، از جمله تفاوت‌هاست که در میان دو عصر باستان و صفوی وجود دارد. بنابراین در عصر باستان آموزش‌های بافندگی در قالب کتب درسی در مدارس به افراد

جمله بر تاثیر آن در پرورش خلاقیت، تقویت حافظه، تقویت مهارت‌های حرکتی و حل مسئله و ... عاجز می‌کند. پیکرنگاری نیز در عهد باستان، دارای رشد بوده و افراد در این حیظه بسیار ورزیده عمل می‌کردند. پیکرک‌های ساخته شده در این عصر، متعلق به عده‌ای از افراد خاص بوده، که با توجه به این قضیه می‌توان موضوع حمایت افراد خاص از این هنر را عامل رشد این هنر دانست. در عصر باستان نیز علی‌رغم تغییر و تحولات در عرصه این هنر، این هنر پیشرفت آنچنانی نداشت. اما این هنر در این عصر دارای تحول عظیم بوده و این هنر بر عهده صنف خاص بوده و در بسیاری از موارد نیز در خدمت مذهب به کار می‌رفته است. به طوری که امروزه نیز می‌توان صنفی را بابت این هنر ایجاد کرد و با سپردن این هنر به افراد متبحر در این حیظه و با تمرکز هرچه بیش‌تر بدان در این زمینه پیشرفت کرد. بنظر می‌رسد استفاده از ابزارهای مختلفی همچون چاقوها، چکش‌های مخصوص، انواع وسایل صاف‌کن و ... استفاده از موادهای متنوعی همچون انواع سنگ‌ها، انواع چوب‌های سخت و نرم، انواع گچ‌ها، موم، فلزات مختلف موجب پیشرفت این هنر در عصر باستان بوده است. به طوری که این هنر می‌تواند در افزایش صبر و بردباری، بروز خلاقیت، توجه به جزئیات، کاهش فشارهای روحی و .. موثر باشد. در بررسی هنر بافندگی در عصر باستان آشکار شد، که این هنر نیز دارای رونق و پیشرفت در این عصر بوده، که استفاده بزرگان از پارچه‌های زربافت و غیره و همچنین استفاده از پارچه‌های سلطنتی در دربار و کاخ‌های آن زمان، می‌تواند عامل پیشرفت و رونق این هنر در عصر باستان باشد و ضمن تشکیل کلاس‌های تخصصی برای آن، از آن در جهت کاربردهای گوناگون استفاده می‌شده است. در عصر صفوی نیز همچون عصر باستان این هنر دارای ابداعات و تنوعات گوناگون بود و پیشرفت داشت. وجود این پیشرفت را می‌توان در ایجاد کارگاه‌های گوناگون برای این هنر، تشکیل کلاس‌های مختلف برای آن حمایت بزرگان این عصر از این هنر دانست. استفاده از این هنر می‌تواند در تقویت اعتماد به نفس، افزایش هماهنگی‌های دستی، بهبود خلق و خو بسیار کارا باشد. خوشنویسی نیز به عنوان هنری بارز در عصر باستان، از پیشرفت مناسبی برخوردار بوده؛ چراکه از این هنر در کاربردهای گوناگون، از جمله انشای مکاتبات حساس و نامه‌های مختلف استفاده می‌شد. همچنین بدین منظور نیز، خوشنویسان این عصر جایگاه والایی در نزد بزرگان داشتند. خوشنویسی نیز به عنوان یکی دیگر از مصادیق هنر در عصر صفوی مورد بررسی قرار گرفت، که در پی بررسی آن، آشکار شد که این هنر در عصر صفوی دارای تقدس بوده و بدین دلیل دارای جایگاه والایی بوده و هنرمندان عرصه این هنر

آن شد تا با بررسی مقوله تربیت هنری در دو عصر باستان و صفوی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، از آن نقاط قوت هر دو دوره بهره برد و از کاستی‌ها و ضعف‌های آن در عصر حاضر استفاده کرد.

در بررسی تربیت هنری در دو عصر باستان و صفوی، معلوم شد که هنر موسیقی در عصر باستان، دارای تحول عظیمی بوده و از پیشرفت زیادی برخوردار بوده است، این پیشرفت و رونق را می‌توان در استفاده از آن، در کاربردهای گوناگون، از جمله زمان جنگ عنوان کرد و ضمن استفاده از ابزارهای گوناگون برای اجرای آن، از این هنر برای اهداف خاص استفاده می‌شد. همچنین این هنر در عصر صفوی علی‌رغم عصر باستان به جهت رویکرد مذهبی مورد تحریم واقع شد. البته موسیقی نیز در این عصر به صورت اشکال مختلف وجود داشته و از آن در کاربردهای گوناگون استفاده می‌شده است. بایستی اشاره داشت که برای اجرای موسیقی در این عصر باستان بنظر می‌رسد که از متخصصان حوزه این هنر استفاده می‌شده است که به تبع این امر می‌توان در این عصر نیز از افراد متخصص در حوزه‌های گوناگون موسیقی برای آموزش افراد استفاده نمود در پی این امر دیدگاه منفی نسبت به این هنر می‌تواند موجب شود تا افراد از مزایای مفید این هنر به خصوص در کاهش استرس، بهبود عملکرد حافظه، مدیریت درد و رنج، خواب بهتر، افزایش انگیزه و .. برخوردار نباشند و بدین ترتیب این دیدگاه می‌تواند افراد را از نعمت وجود این هنر بی‌بهره کند. براین اساس برای استفاده از مزایای این هنر می‌توان در این عصر مراکز آموزشی را برای کودکان و نوجوانان ایجاد نمود. نقاشی نیز در عصر باستان، دارای رونق بوده و از پیشرفت برخوردار بوده است و از این هنر نیز در عرصه‌های مختلف از جمله نقوش بر سطح مدال‌ها، سکه‌ها و غیره استفاده می‌شد. این هنر نیز همانند موسیقی در عصر صفوی به جهت مذهبی مورد تحریم واقع شد و ضمن تقسیم نقاشی در این عصر به دو بخش مکتب اول و دوم نقاشی، تغییر دیدگاه نقاشان از عالم تخیل به عالم واقع و داراشدن رویکرد لذت‌آفرینی حاکی از تغییر و تحول این هنر در این عصر است. وجود پیشرفت در عصر باستان در حیظه این هنر می‌تواند بیانگر استفاده از رنگ‌ها، نقش و نگارها، وجود افراد تربیت‌یافته، استفاده از اشکال مختلف طبیعی و .. باشد که به تبع این امر می‌توانیم در عصر حاضر نیز از زیبایی این هنر با بکارگیری رنگ‌ها و نقوش گوناگون برای اشاعه ملزومات جامعه به خصوص در حیظه اشاعه فرهنگ جامعه استفاده نمود. همچنین می‌توان از این هنر در اشاعه روش زندگی اسلامی و گسترش نمادهای خدایی استفاده کرد. داشتن رویکرد منفی به این موضوع ما را از فواید این هنر از

دوران صفویه بوده است و در حالت کل نیز از تجارب این دو دوران، می‌توان در زمینه تربیت هنری در عصر حاضر بسیار بهره برد.

پیشنهادات

باتوجه به نتایج حاصل از این پژوهش، می‌توان پیشنهاد زیر را ارائه داد:

- ۱- برای ارتقا دانش‌آموزان از حیث هنرهای مختلف، بهتر است نظام آموزش و پرورش، کلاس‌ها و کارگاه‌های مختلفی را در سطح مدارس از بابت هنرهای گوناگون تعبیه کند، تا بتوان بدین طریق دانش‌آموزان را از این حیث ارتقا داد.
- ۲- مؤلفان کتب درسی نیز می‌توانند با گنجاندن نکات قوت تربیت هنری دو دوران ایران باستان و عصر صفوی در کتب درسی به ارتقا تربیت هنری کمک کنند.
- ۳- سیاست‌گذاران آموزش و پرورش می‌توانند، برای معلمان، دوره‌های مختلف آشنایی با تربیت هنری، از جمله ضمن خدمت و غیره مهیا نمایند، تا معلمان بتوانند با اتخاذ آموزش‌های لازم در این زمینه، دانش‌آموزان را از این حیث غنی سازند.
- ۴- همچنین پیشنهاد می‌شود، که پژوهش‌هایی مبنی بر ضرورت آشنایی معلمان و کارکنان آموزش و پرورش با روش‌های مختلف تربیت هنری نیز انجام گیرد.
- ۵- محققان علاقه‌مند در این حیطه نیز، می‌توانند با بررسی تربیت هنری در دوران‌های مختلف دیگر، در راستای ارتقا هنر در دانش‌آموزان بکوشند.

منابع

- ۱- فتحی، مریم و رحمانی، اشکان. بررسی میزان اهداف تربیت هنری در محتوای کتاب فرهنگ و هنر پایه هشتم. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، ۱۴۰۱؛ ۲۲(۳): ۴۳۹-۴۶۷.
- 2- Fowler, Charles. The Art are Essential to Education. Educational Leadership. USA, 1989.
- 3- Hauseman, Jerome J. Training Of Teachers. The Encyclopedia of Education. The Macmillan Company. The Free Press, 1971.
- 4- Zhang, Minyan. Analysis on The Integration Path Of folk art Education based on Spiritual Cognitive Psychology. Psychiatria Danubina, 2022; 34(5): 140_143.

نیز، جایگاه والایی داشتند. همچنین ضمن استفاده از این هنر در کاربردهای گوناگون، به عنوان نیازی بنیادی تلقی می‌شد. بر اساس آنچه از این یافته‌ها بدست می‌آید می‌توان گفت استفاده از ابزارهای مختلف خوشنویسی همچون کاغذهای مناسب، قلم‌های روان، دوات‌های مرغوب و ... و همچنین استفاده از خطوط متنوع از جمله خطوط تعلیق، نستعلیق، شکسته تعلیق و ... می‌تواند عامل پیشرفت این هنر به همراه استفاده از متخصصان حیطه این هنر در آموزش افراد باشد. تاثیر این هنر نیز در بهبود روح، روان، افزایش اعماد به نفس، ارتقا منزلت افراد دارای این هنر، آرامش بخشی که در پی دارد به بسیار چشم‌گیر است.

نتایج پژوهش حاضر، با نتایج پژوهش علیئی و همکاران [۱۵] همسو است؛ چراکه هردو این پژوهش مؤید استفاده از ابزارهای گوناگون برای اجرای موسیقی در دوران باستان هستند. یافته‌های پژوهش درخشی و توکلی [۱۶] نیز، با بیان اهمیت پارچه‌بافی و نساجی در عصر هخامنشی، هم‌راستا با نتیجه پژوهش حاضر است، که بیان می‌کند، پارچه‌های ابریشمی و پشمی در عصر هخامنشی دارای رونق و توجه بوده است. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر، در اشتراک خود، با یافته‌های پژوهش صغری‌غضنفری و طباطبایی [۱۷] و معمارزاده [۱۹] که به ترتیب بیانگر تحریم و محدودیت موسیقی و نقاشی در عصر صفوی هستند هم‌راستاست. یافته‌های تشکری‌بافقی [۱۸] نیز، در بیان خود در راستای رونق اشتغال در صنعت نساجی با حمایت حکومت مرکزی صفوی در آن زمان از کارگاه‌های نساجی، با یافته‌های پژوهش حاضر مشترک است.

بنابر آنچه که بیان شد، تربیت هنری در دو عصر باستان و دوره صفوی در پنج زمینه هنر موسیقی، نقاشی، پیکرتنگاری، بافندگی و خوشنویسی مورد بررسی واقع شد. نتایج نشان داد، که در دوران باستان، هنرهای گوناگون پیشرفت و رونق داشتند؛ چراکه می‌توان اشاره کرد، که این هنرها در جهت‌های گوناگون در خدمت به خواص و تکریم آنان بوده و کاربردهای گوناگون داشتند و برای هنرهای مختلف نیز، کلاس‌های مخصوص و افراد آموزش دیده برای آموزش به افراد حضور داشتند. در دوره صفوی نیز، برخی هنرها به جهت در خدمت بودن خواص و مذهب، دارای رونق و پیشرفت بودند؛ بدین جهت نیز برای این قبیل از هنرها، کلاس‌ها، کارگاه‌ها و افراد آموزش‌دیده خبره، برای آموزش به افراد مختلف تدارک دیده شده بود؛ اما برخی هنرها نیز به جهت رویکرد مذهبی، دارای محدودیت و تحریم بودند و از پیشرفت و رونق بازماندند. می‌توان اشاره کرد، که با نتایج به‌دست آمده از این پژوهش، تربیت هنری در عصر باستان، چشم‌گیرتر از

- ۱۷- صغری غضنفری، فاطمه و طباطبایی، زهره. جایگاه زن و موسیقی در عصر صفوی و بازنمود آن در نگاره‌های شاهنامه شاه تهماسبی. فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۱۳۹۶؛ (۳۱)۸: ۷۴-۵۷.
- ۱۸- تشکری بافقی، علی‌اکبر. درآمدی بر صنعت بافندگی یزد در عصر صفوی. پژوهشنامه تاریخ اقتصادی و اجتماعی، ۱۳۹۲؛ (۱)۲: ۶۵-۵۱.
- ۱۹- معمارزاده، محمد. نقاشی عصر صفوی (مکتب تبریز و اصفهان). نشریه جلوه هنر در دوره جدید، ۱۳۸۸؛ (۲)۱: ۴۶-۳۹.
- ۲۰- کاردان، علی محمد. سیر آراء تربیتی در غرب، تهران: سمت، ۱۳۹۲.
- 21- Nuttall, Dan. What is the purpose of studying history? Developing students' perspectives on the purposes and value of history education, History Education Research Journal, 2021; 18(1), 89-108. DOI: 10.14324/HERJ.18.1.06.
- ۲۲- معصومی‌فرد، مرجان. مطالعه تطبیقی نظام یادگیری الکترونیکی در کشورهای منتخب آسیا (ژاپن، چین، هندوستان، پاکستان، اندونزی و ایران). پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، ۱۳۹۸؛ (۳۴)۲: ۹۴-۱۴.
- ۲۳- کشاورز، سوسن؛ احمدی، علی؛ مهرمحمدی، محمود و قائدی، یحیی. تحلیل تطبیقی بنیادهای معرفت‌شناختی، ۱۳۹۵.
- ۲۴- خورشادی‌زاده، فاطمه و کریمی، حسین. مقایسه تطبیقی نحوه اجرای استراتژی نظام‌مند بودن در برنامه درسی کارشناسی پرستاری کشورهای آمریکا، کانادا و استرالیا و ارائه راه‌کارهای پیشنهادی در برنامه درسی پرستاری ایران. مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی یزد، ۱۳۹۶؛ (۲)۱۲: ۱۲-۲.
- ۲۵- حکمت، علیرضا. آموزش و پرورش در ایران باستان. تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی، ۱۳۵۰.
- ۲۶- رضوی، مسعود. تربیت ایرانیان در شاهنشاهی دوران پیش از اسلام. پاریس: مدرسه عالی پاریس، ۱۳۵۰.
- ۲۷- صفاکیش، حمیدرضا و سید، محمود. سیر تاریخی موسیقی ایران از عهد باستان تا ظهور صفوی. پژوهشنامه تاریخ، ۱۳۹۹؛ (۳۲)۸: ۲۶-۱.
- ۲۸- کاویانی‌پویا، حمید. کاربرد و اهمیت موسیقی حماسی در پایداری و برانگیختگی سپاهیان در ایران باستان. نشریه ادبیات پایداری، ۱۴۰۰؛ (۲۵)۱۳: ۱۹۴-۱۶۳.
- 5- Kurbanov, Sukhrob. Art Educational Period Of Independence. The American Journal of Social Science and Education Innovations, 2021; 3(10): 4_12.
- ۶- مایر، فردریک. تاریخ اندیشه‌های تربیتی، ترجمه علی اصغر فیاض، جلد دوم، تهران: سمت، ۱۳۷۴.
- ۷- شورای عالی انقلاب فرهنگی. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰.
- ۸- کیان، مرجان و مهرمحمدی، محمود. شناسایی وجوه و ابعاد مغفول برنامه درسی هنر دوره ابتدایی. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۳۹۲؛ (۳)۲۰: ۱۸-۱.
- ۹- یوسفی، حسن. بررسی وضعیت موجود تربیت هنری از دیدگاه معلمان ابتدایی. پویا در آموزش علوم تربیتی و مشاوره، ۱۴۰۰؛ (۱۴)۷: ۱۰۲-۸۷.
- ۱۰- سایت علمی و پژوهشی آسمان. مشکلات و ضعف‌های موجود در آموزش هنر، سایت علمی و پژوهشی آسمان، ۱۳۷۹، لینک گزارش: <https://b2n.ir/u87499>.
- ۱۱- امین‌خندقی، مقصود و پاک مهر، حمیده. حاکمیت دیسپلین محوری بر جهت‌گیری‌های برنامه درسی تربیت هنری معلمان هنر دوره راهنمایی تحصیلی: چالش‌ها و آسیب‌ها. نشریه رویکردهای نوین آموزشی، ۱۳۹۲؛ (۱)۸: ۴۶-۲۱.
- ۱۲- رضایی، منیره. تربیت هنری در نظام آموزشی ایران. نشریه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۱۳۹۲؛ (۲۲)۱۴: ۲۹-۷.
- ۱۳- آداک، موسی و یوسف‌زاده چوسری، محمدرضا. تحلیل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی، بر مبنای تربیت اقتصادی. فصلنامه پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۱۳۹۷؛ (۲)۱۶: ۱۲۸-۱۱۵.
- ۱۴- عباسی، پروین؛ طباطبایی، مینو؛ مرتضی، اعظم. بررسی موانع اجرای درس هنر از دیدگاه معلمان دوره ابتدایی شهر اصفهان، دومین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، ۱۳۹۴، لینک اینترنتی: <https://civilica.com/doc/497927/>
- ۱۵- علیی، میثم؛ همتی‌ازندریانی، اسماعیل؛ ذال، محمدحسن و رایگانی، ابراهیم. بررسی اهمیت و جایگاه هنر موسیقی در ایران باستان. مطالعات باستان‌شناسی پارسه، ۱۳۹۸؛ (۸)۳: ۵۶-۳۷.
- ۱۶- درخش، حسن و توکلی. پارچه‌بافی و صنعت نساجی در دوره هخامنشیان. سومین همایش ملی باستان‌شناسی ایران، تهران، ۱۳۹۶، <https://civilica.com/doc/770624>

- ۴۳- گل محمدی، جواد. ویژگی‌های نقاشی مکتب صفوی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۵۶؛ ۲۴(۱و۲): ۳۲۵-۳۳۶.
- ۴۴- جوانی، اصغر. بنیان‌های مکتب نقاشی اصفهان. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.
- ۴۵- اسماعیلی، مراد. بازتاب جلوه‌های لذت این جهانی در شعر، نقاشی و معماری عصر صفوی با رویکرد تطبیقی هنری رماک. پژوهش‌های بین رشته‌ای ادبی، ۱۳۹۹؛ ۲(۴): ۳۶-۷۰.
- ۴۶- میرزمانی، لیلا. جایگاه تاریخی مجسمه در ایران باستان تا پایان دوره صفوی. کنفرانس بین‌المللی علوم و مهندسی، ۱۳۹۴. <https://civilica.com/doc/424472>.
- ۴۷- شاردن، ژان. سیاحت‌نامه شاردن. ترجمه محمد عباسی، جلد ۸. تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵.
- ۴۸- زکی، محمدحسن. هنر ایران. تهران: صدای معاصر، ۱۳۷۷.
- ۴۹- فیضی، فرزاد و منتشری، مهران. بررسی نقش صنعت و هنر بافندگی در اقتصاد(تجارت) دوره صفویه. نشریه مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، ۱۳۹۶؛ ۲(۱): ۲۱-۳۰.
- ۵۰- افروغ، محمد. مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی. فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی، ۱۳۹۰؛ ۱۱(۱۰): ۷-۴۹.
- ۵۱- پات، فریبا؛ خضری، سیداحمدرضا و مظاهری، مهرانگیز. خوشنویسی در آغاز عصر صفوی: تحولات، کارکردها، حامیان و هنروران. پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، ۱۳۹۰؛ ۴۴(۱): ۳۳-۴۸.
- ۵۲- سوچک، پریسیلا. خوشنویسی عصر صفوی. نشریه هنرهای تجسمی، ۱۳۸۵؛ ۲۵(۲): ۶۰-۶۷.
- 29- Nikonorov, Valerii P. The Use of Musical Percussion Instruments in Ancient Eastern Warfare: the Parthian and Eichmann, R., Music archaeology of Early Metal Ages: papers from the 1st Symposium of the international Study Group on Music Archaeology at Monastery Michaelstein, 18_24, Orient-ArchSologie, 7; Studien zur MusikarchSologie II, Rahden/Westf: Verlag Marie Leidorfe, 2000, 71_82.
- ۳۰- بیژن، ا. چشم‌انداز تربیت در ایران پیش از اسلام. تهران: چاپخانه اتحادیه، ۱۳۱۵.
- ۳۱- گیرشمن، رومن. کتاب ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین. تهران: انتشارات نگاه، ۱۹۵۱.
- ۳۲- امیری، معصومه. بررسی چند مجسمه دوره اشکانی در شهرهای ماترا، مالمیر و شوش. فصلنامه رشد آموزش تاریخ، ۱۴۰۰؛ ۷۷(۱۳): ۲۰-۲۱.
- ۳۳- یآوری، حسین. نساجی سنتی در ایران. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی حوزه هنری، ۱۳۸۰.
- ۳۴- مژگانی، حسین. گل‌های ابریشمی. تهران: سروش، ۱۳۸۰.
- ۳۵- خزایی، محمد و طیبی، محسن. صورت و معنا در نقاشی قهوه‌خانه، کاشیکاری با موضوع عاشورا. دوفصلنامه هنر اسلامی، ۱۳۸۳؛ ۱(۱): ۸-۲۱.
- ۳۶- برجیان، حبیب. درآمدی بر خوشنویسی در ایران باستان. ایران‌شناسی، ۱۳۷۷؛ ۴۰(۴): ۷۴۵-۷۵۲.
- ۳۷- برومندامین، بهرام. ملاحظات بر خوش‌نگاری نشانه‌های خط میخی پارسی باستان: سنگ نبشته خشایارشا در تخت جمشید. نشریه گلستان هنر، ۱۳۹۹؛ ۷(۴): ۵-۱۶.
- ۳۸- شیرازی‌نویدی، عبدی‌بیگ. تکمله الاخبار. تهران: نی، ۱۳۹۶.
- ۳۹- نعمتی، محمدعلی و فولادی، فضل‌الله. تأثیرمذهب بر روایت‌های تاریخ‌نگاری هنر عصر صفویه (با تأکید بر خوشنویسی، نگارگری و موسیقی). نشریه علم و تمدن در اسلام، ۱۴۰۱؛ ۱۱(۳): ۱۰۰-۱۲۷.
- ۴۰- مشحون، حسن. تاریخ موسیقی ایران. تهران: نشر سیمرغ با همکاری نشرفاخته، ۱۳۷۳.
- ۴۱- میثمی، حسین. نگاهی به موسیقی دوره صفویه. نشریه گلستان هنر، ۱۳۸۴؛ ۲(۲): ۱۴۱-۱۴۷.
- ۴۲- لولو، آنجو. سفرنامه ونیزیان. ترجمه دکتر منوچهر امیری. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۱.